

شب هفتم: روضه حضرت علی اصغر علیه السلام

روز هفتم محرم، در کربلا آب را به روی اباعبدالله علیه السلام بستند. در این شب و روز، مرسوم است که ذکر مصیبت طفل مظلوم امام حسین علیه السلام حضرت علی اصغر علیه السلام را می خوانند؛ نوزادی که شهادتش امام حسین علیه السلام را بسیار متأثر کرد.

بزرگان و علمای بزرگ ما هرگاه گره در کارشان می افتاد، مجلس روضه برای شش ماهه امام حسین علیه السلام برپا می کردند. این شهادت آن قدر بزرگ و سنگین بود که خدای متعال به امام حسین علیه السلام تسلیت گفت.

دیگر، لحظات آخر روز عاشورا بود. همه شهید شده بودند. این کودک، آخرین نفر بود. امام علیه السلام به خیمه آمد و گفت: «يَا أُخْتَاهُ تَوَلَّيْنِي وَلَدِي الصَّغِيرَ حَتَّى أُوَدِّعَهُ...»^۱ خواهرم! فرزندم را بیاور تا با او خداحافظی کنم.»

گفته اند: با اینکه رباب در آنجا بود، ولی امام حسین علیه السلام خواهرش را صدا کرد؛ زیرا نمی خواست نگاهش در نگاه رباب بیفتد؛ نمی خواست شرمنده او شود. بعضی از اهل ذوق گفته اند: مادر دیگر نمی توانست کودک را نگاه دارد. بچه گاهی دست زینب بود و گاهی دست سکینه و دیگران؛ زیرا از بس بی تایی می کرد و مادرش نمی توانست او را نگاه دارد.

در بعضی از مقاتل نوشته اند: اباعبدالله! کودکش را در برابر دشمن آورد و از آنها درخواست آب کرد.^۲ در این هنگام، حرمله با تیری به امام حسین علیه السلام جواب داد و گلولی کودک را پاره کرد. امام حسین علیه السلام کودکش را به خیمه ها نیاورد؛ زیرا می دانست دختران و همسرانش گرد او حلقه می زنند و ممکن است مادرش از شدت غصه جان بدهد. قنداقه خونین را نیاورد و همان طور متحیر ایستاده بود.

۱. ناصر رفیعی، مقتل رفیعی، ص ۱۴۲.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۶.

«ساعد الله قلبک یا اباعبدالله»؛ قربان دل داغدارت. امام حسین پشت خیمه آمد
و «حِفْرِ بَحْمَن سِيفِهِ...؛ با نوک شمشیر قبر کوچکی کند و قنداقه پُر از خون را
در آن نهاد.» صلی الله علیک یا اباعبدالله.

چه بود؟ جان پدر! حرف تیر در گوشت
که زود از جَزَع و گریه کرد خاموش
به خیمه چشم به راه است مادر زارت
برای دیدن لبخند غنچه نُوشَت
به جای آنکه در آغوش مادر آسایی
گرفت پیک اجل ناگهان در آغوش
نهال سبز تو را طاقت نوازش نیست
چگونه تیر زند بوسه بر بناگوشت